ادامه از صفحه ۱۰

مردگان، زنده‌اند

صبحگاه روشن شد که او کاوه است. این آینده است که به گذشته سفر کرده و به ما می‌گوید چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد. شاید این آینده خود کاوه بود که عباس را خبر کرده بود تا تشریفات سوگواری را به جا بیاورد. می‌خواهم نتیجه بگیرم و به یاری‌های عزیز یادآور شوم که مردگان نیز به شکلی دیگر در میان زندگان هستند. جسم می‌میرد؛ اما آن انرژی حیاتی که نامش روح یا جان و روان یا انرژی و بیست‌ویک گرم یا هر اسم و تعریف دیگر است، باقی می‌ماند. آنها که اهل کتاب و روزه و نماز هستند و به روز حشر معتقدند، این جمله بر سردرِ ورودی گورستان بهشت زهرا را از ته دل باور دارند که مردگان زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند.

کاوه نه‌فقط در جهان هستی؛ بلکه در دل ما همچنان زنده است. کاوه با چقاشی‌هایش انرژی و روح زندگی را در سختی فلز سرد می‌دمید و شکل دیگری از حیات را خلق می‌کرد که دیدنی و جذاب و پر از معنا و شگفتی است. این میل به جان‌دادن به اشیا را با مرگش در ارتباط با انسان‌ها هم ادامه داد. بنا به وصیت او، قسمت‌هایی از اعضای پیکرش هدیه شده تا با پیوند آنها به هم‌نوعان بیمار، به ادامه زندگی آنان کمک شود. آیا چنین مرد بزرگی فراموش‌شدنی است؟ به یاد نصرت کریمی، سینماگر و هنرمند خوش‌قریحه و جذاب، همان آقاجان سریال دائی‌جان ناپلئون، می‌افتم که او نیز همین چند روز پیش از میان ما رفت. در یک فیلم مستند که احتمالا بعضی از شما هم دیده‌اید، خطاب به نوه‌اش می‌گوید: «اگر یک روز مُردم و آمدی دیدی یک ملافه روی من کشیده‌اند و اینجا وسط اتاق افتاده‌ام، او دیگر من نیستم. پدربزرگ تو نیست. حالا می‌پرسی پس پدربزرگ من کجا می‌رود؟ پدربزرگ تو می‌رود اینجا توی سرت، توی مغزت و با تو برای همیشه هست». من نمی‌دانم وقتی کاوه وسط اتاق روی قالی افتاده و نفس نمی‌کشید، آیا ملافه‌ای بر پیکرش کشیده بودند یا نه؛ ولی عباس یاری می‌گفت صورتی خیلی آرام داشت و اثری از رنج و درد در چهره‌اش دیده نمی‌شد. حالا که مابقی جسمش در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شده، آن سیمای نازنین و آن شخصیت دوست‌داشتنی با آفرینندگی بی‌مثالش در اندیشه همه ما به زندگی ادامه می‌دهد و مانند برادر آفرینشگر خود علی، نامش در میان اهل فرهنگ و هنر ماندگار باقی می‌ماند و بی‌شک مایه فخر بازماندگانش خواهد بود. البته درد فراق و رنج جدایی آسان و ساده نیست. اندوه دوری از کاوه به‌ویژه برای همسر و فرزندان و برادران و خواهران و شاگردانش هم هست. امیدوارم بتوانیم با آنچه عرض کردم، این لحظه‌های تهی و روزهای خالی را با ادامه راه کاوه در همه سطوح اخلاقی و عاطفی و هنری‌اش ادامه بدهیم، دل‌های شکسته به‌زودی التیام پیدا کند و ایام سوگواری به سر برسد. در پایان لازم می‌دانم یادی هم از مهندس همایون خسروی‌دهکردی، مدیرمسئول پرمایه و هنردوست مهربان و نیکنام نشریه پرارزش سینما و ادبیات بکنم که ناباورانه بر اثر ابتلا به بیماری آنفلوانزا هم‌زمان با مرگ تکان‌دهنده کاوه دنیا را وداع گفت. این‌همه درد و رنج اجتماعی و آلودگی کم بود که آنفلوانزا هم برای تکمیل مصیبت نازل شد. آرامش و سبکباری روان، نصیب مهندس دهکردی و نصرت کریمی باد! امیدوارم برای خانواده‌های آنان و خانواده ارجمند یاری نیز گذر از لحظه‌های غم‌انگیز و چشیدن دوباره طعم خوش زندگی و طعم دلپذیر گیلاس که به‌عنوان نشانه زندگی زنده‌یاد کیارستمی از آن در فیلم ماندگار خود به زیبایی سخن گفت، چندان طول نکشد.

چطور تئاتر نبینیم؟

بدون‌شک هیچ هاله‌ای برای هنر باقی نمانده؛ اما آن هاله دیگر - هاله پرزرق‌وبرق کالا ـ ایجاب می‌کند که مخاطبان نه مشارکتی در مسائل صحنه داشته باشند و نه حتی شاهد مناسبات پنهان تولید آن باشند. زمان به کندی خواهد گذشت و نیم‌ساعت بعد از زمان اجرا تو هنوز منتظر خواهی بود و تنها صدایی که پیش از بسته‌شدن در شنیدی، در گوشت طنین می‌اندازد: «ر... به این سالن. ر... به این تئاتر». یک ساعت بعد از زمان اجرا، مسئول سالن ضمن عذرخواهی محترمانه و جابه‌جاکردن بلیت افرادی که نمی‌توانستند منتظر بمانند، از مشکلات فنی پیش‌آمده خواهد گفت، ردیف لامپ‌هایی که سوختند و هرکدام ۶۰۰ هزار تومان هزینه داشتند؛ اما چیزی که نخواهد گفت، این است که چرا باید چهار اجرای پیاپی در یک سالن با تجهیزات متوسط با وقفه‌های بسیار اندک میان اجراها برگزار شود؟ تئاتری که به قول پیتر شومان ضرورتی مطلق و اجتناب‌ناپذیر داشت و آن را با نان هم‌ارز می‌دانستند، چگونه جای خود را به «حداکثر بازدهی سالن» داده است؟ آیا بدون همکاری بخشی از هنرمندان چنین استحاله‌ای ممکن بود؟ اصلا می‌توان در چنین بستری، نگاهی جز «حداکثر بهره‌وری» به اثری مانند آئورا داشت؟ امشب انرژی کافی برای دنبال‌کردن پاسخ سؤال آخر را نخواهی داشت و ترجیح می‌دهی با تاریک‌شدن نورها، سالن را ترک کنی. این تصمیم اندکی تو را تسلی خواهد داد؛ اما روی درِ ورودی سالن کاغذی به دیوار چسبیده که «ضمن عرض پوزش، نمایش جمعه‌کشی با تأخیر آغاز خواهد شد». چطور می‌توانی به گذشتگان بگویی که نیم‌قرن بعد، جمعه‌کشی پس از پایان اجرا در سنگلج، در آخرین شیفت کاری در سالنی خصوصی به کار گرفته خواهد شد؟

politics@sharghdaily.ir

۱۰ هزار میلیارد ریال بیشتر از سال قبل

افزایش چشمگیر بودجه سال ۹۹ دستگاه دیپلماسی

شرق: روز گذشته رئیس دولت، بودجه پیشنهادی سال ۹۹ را به مجلس ارائه کرد و یکی از ارقامی که از لابه‌لای متن بودجه توجه خبرنگاران را جلب کرد، بودجه وزارت امور خارجه بود. طبق پیشنهاد دولت، بودجه وزارت امور خارجه هزار میلیارد تومان افزایش یافته. این افزایش نسبت به سال پیش (یعنی سالی) که در آن قرار داریم صورت گرفته است.

طبق آنچه در بودجه آمده، بودجه وزارت امور خارجه مبلغ ۱۰ هزار میلیارد ریال یا به عبارت جزئی‌تر «۱۰،۰۵۴،۸۵۳،۰۰۰،۰۰۰» افزایش یافته است و به‌این‌ترتیب بودجه وزارت امور خارجه در لایحه پیشنهادی سال ۹۹ به ۲۵،۵۵۶،۷۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال رسیده است. در بودجه مصوب سال ۱۳۹۸ رقم بودجه وزارت امور خارجه رقمی بالغ بر ۱۵،۵۰۱،۸۸۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال بود. این رقم بودجه جزئیاتی هم دارد که بودجه بخش‌های مختلف وزارت امور خارجه را دربر می‌گیرد، از جمله: برنامه ارائه و بهبود خدمات کنسولی که رقم مصوب آن در سال ۹۸ بیش از سه هزار میلیون ریال بوده که اکنون در رقم پیشنهادی سال ۹۹ به بیش از پنج هزار میلیون ریال رسیده.

همچنین برنامه حمایت و استیفای حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آنها در توسعه ملی در بودجه پیشنهادی سال ۹۹ به رقم چهار هزار میلیون ریال رسیده است. بخش دیگری از بودجه وزارت امور خارجه به برنامه تقویت مناسبات بین‌المللی ربط دارد که رقم چهار هزار میلیون ریال را به خود اختصاص داده است. نکته جالب این عناوین بودجه‌ای این است که اگر شرایط داخلی و دیپلماسی کشور به‌طورکلی مناسب باشد، بخش زیادی از این هزینه‌ها شامل صرفه‌جویی می‌شود. درحالی‌که وضعیت اقتصادی و معیشت در داخل کشور خوب باشد، حتما میزان مهاجرت و به‌ویژه مهاجرت غیرقانونی کاهش می‌یابد و هزینه وکیل‌گرفتن برای اتباع ایرانی در بند زندان یا تلاش برای حل‌وفصل امور کنسولی آنها در کشورهای مختلف کاهش می‌یابد. درحالی‌که حوادث سیاسی و اجتماعی از سال ۸۸ تاکنون این موج مهاجرت را رو به افزایش نشان می‌دهد.

برنامه هماهنگی روابط اقتصادی خارجی نیز بیش از پنج هزار میلیون ریال بودجه گرفته است. به نظر می‌رسد این بخش بودجه به معاونت دیپلماسی اقتصادی و بخش اقتصادی سفارتخانه‌ها اختصاص یابد. یکی از عناوین جذاب ذیل بودجه وزارت امور خارجه «برنامه کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای هدف» است که از صد هزار میلیون ریال بودجه سال گذشته تاکنون تغییری نیافته است. برنامه تنظیم و توسعه روابط با کشورها (دوجانبه و چندجانبه) و نهادهای بین‌المللی عنوان آخر این جدول است که رقمی بالغ بر شش هزار میلیون ریال را به خود اختصاص داده.

کیودو از چراغ سبز آمریکا به ژاپن برای سفر روحانی خبر داد

واشنگتن: ما را در جریان بگذارید

روح‌اله نخعی: خبرگزاری کیودو در گزارشی اختصاصی خبر داد، ایالات متحده به ژاپن برای برنامه‌اش در میزبانی از رئیس‌جمهور ایران، چراغ سبز نشان داده است. این گزارش به نقل از «منابع دیپلماتیک» نوشته است، واشنگتن ضمن حمایت از تصمیم ژاپن، از توکیو خواسته، نتایج نشست بین نخست‌وزیر ژاپن و حسن روحانی را با مقامات ایالات متحده در میان بگذارد. یک «مقام ارشد» ایالات متحده این پیام را به ژاپن منتقل کرده است.

دومین سفر یک رئیس‌جمهور ایران به ژاپن

این خبر پس از آن منتشر می‌شود که در روزهای گذشته مقامات ایران و ژاپن از برنامه‌ریزی و بررسی برای سفر حسن روحانی به توکیو و دیدار با شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن خبر داده بودند. شنبه، سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه که برای شرکت در کمیسیون مشترک برجام در وین بود، در گفت‌وگو با شبکه ژاپنی ان‌اچ‌کی این خبر را داده بود. سفر روحانی، اگر انجام شود، اولین سفر رئیس‌جمهور ایران به ژاپن پس از حدود دو دهه و دومین سفر یک رئیس‌جمهوری ایرانی به ژاپن در سال‌های پس از انقلاب است. آخرین‌بار، سیدمحمد خاتمی، آبان‌ماه ۷۹، برابر با نوامبر سال ۲۰۰۰ و در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش، با دعوت نخست‌وزیر وقت ژاپن، یوشیرو موری، سفری چهارروزه به توکیو داشت.

تلاش مداوم یک غیربرجامی برای میانجی‌گری

سفر روحانی به ژاپن در حالی رخ خواهد داد که شینزو آبه، خرداد سال جاری به تهران آمد تا او نیز، اولین سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران در سال‌های پس از انقلاب را رقم زده باشد. سفر آبه به ایران، از دید بسیاری از ناظران با هدف میانجی‌گری در جهت کاهش تنش‌ها بین ایران و آمریکا و نیز تنش‌های خلیج‌فارس انجام شد، اما روند وقایع پس از آن باعث شد بسیاری این سفر را ناکام بخوانند. کمی بعدتر، نام ژاپن به‌عنوان شریک فرانسه در ارائه پیشنهاد ناکام دیگری برای کاهش تنش‌ها مطرح شد. حالا به نظر می‌رسد این کشور که بارها بر تمایل به نقش‌آفرینی در کاهش تنش‌ها تأکید کرده است، بار دیگر در حال آزمودن شانس خود در این زمینه است. ژاپن عملا بزرگ‌ترین نام غیربرجامی است که در صحنه بین‌المللی برای نقش‌آفرینی در حل‌وفصل اختلافات اقدام کرده است.

این گام تازه در حالی برداشته می‌شود که پس از گام چهارم ایران و نامه اروپایی‌ها به دبیرکل سازمان ملل درباره اقدامات هسته‌ای این کشور، هم‌زمان با تحریم‌های ایالات متحده، تنش‌ها در بالاترین سطح خود در ماه‌های گذشته قرار دارد و هشدارهای شمارش معکوس فروپاشی برجام از سوی طرف‌های مختلف، صریح و ضمنی مطرح می‌شود.

از طرف دیگر، تصمیم ژاپن برای اعزام نیروی نظامی مستقل به خلیج‌فارس نیز احتمالا در چنین سفری به بحث گذاشته شود. توکیو بعد از رد مکرر درخواست آمریکا برای پیوستن به ائتلاف نظامی دریایی این کشور اعلام کرد خود مستقلا به خلیج‌فارس برای تأمین امنیت کشتی‌هایش نیرو می‌فرستد. در سفر عراقچی به توکیو، او مخالفت ایران با این اقدام ژاپن را به اطلاع مقامات این کشور رساند.

عراقچی: امیدوارم به زودی در این زمینه تصمیم‌گیری شود

عراقچی شنبه درباره آماده‌سازی مقدمات سفر روحانی به ژاپن، به ان‌اچ‌کی گفته بود: «تمهیدات لازم برای تعیین تاریخ سفر رئیس‌جمهور انجام شده است و امیدوارم به زودی در این زمینه تصمیم‌گیری شود». عراقچی گفته بود: «ژاپن شریک اقتصادی و ارائه‌دهنده فناوری به ایران است که همواره یکی از تأمین‌کنندگان مهم نفت ژاپن بوده است». معاون وزیر امور خارجه با تأکید بر اینکه ایران می‌خواهد همان روابط مثبت با ژاپن را حفظ کند، نسبت به احتمال صادرات مجدد نفت به آن کشور در آینده ابراز امیدواری کرد. او اظهار امیدواری کرد که سفر احتمالی رئیس‌جمهور اسلامی ایران در اواخر این ماه به ژاپن، به تقویت روابط اقتصادی کمک کند. عراقچی این اظهارات را در حالی بیان می‌کند که پیش از سفر به اتریش و پس از سفری که به پکن داشت، در سفری دوروزه به توکیو رفته بود. معاون وزیر خارجه ایران در این سفر با نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرده بود. عراقچی در دیدار با آبه، پیام مکتوب روحانی را به او تقدیم کرده بود.

میانجی‌گری در روزهای پس از مبادله

از سوی دیگر، شنبه روز مبادله دو زندانی ایرانی و آمریکایی بین دو کشور نیز بود. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران و برایان هوک، رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه و مشاور وزیر خارجه آمریکا، به سوئیس، واسطه این مبادله رفتند تا مسعود سلیمانی به همراه ظریف و ژائو وانگ به همراه هوک به کشورهای خود برگردند. مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، از همکاری «سازنده» ایران در این زمینه ابراز خرسندی کرد و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، در توییتی یک گام فراتر از وزیر خارجه‌اش، با «تشکر» از ایران بابت «مذاکرات بسیار منصفانه» گفت: «می‌بینید؟ [پس] می‌توانیم با هم توافق کنیم». این توافق دیپلماتیک در شرایط اوج تنش بین دو کشور باعث شد بسیاری از آن به‌عنوان اولین نشانه‌های شکل‌گیری گفت‌وگوی جدی‌تر و حرکت به سمت حل اختلاف یاد کنند، اما مشخص نیست با توجه به خط قرمزها و شروط جدی‌ای که مقامات دو کشور درباره مذاکره و توافق با طرف مقابل تبیین کرده‌اند، چه توافق و گفت‌وگویی ممکن است در این زمینه شکل بگیرد.

نگاهی به کتاب «با ماندلا در کشور رنگین‌کمان»

خاطرات یک دیپلمات از یک رهبر

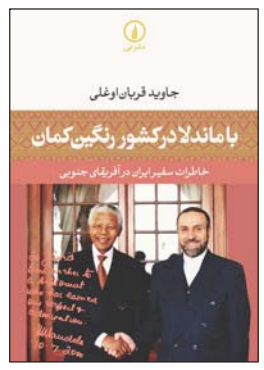

شرق: جاوید قربان‌اوغلی، دیپلمات برجسته ایرانی، خاطرات دوران مأموریت خود در آفریقای جنوبی را در قالب کتابی منتشر کرده است. قربان‌اوغلی که سابقه مدیرکلی بخش آفریقای وزارت خارجه را نیز در کارنامه خود دارد، چهار سال در دوران دولت خاتمی و وزارت خارجه کمال خرازی، سفیر ایران در آفریقای جنوبی بود و پیش و پس از آن نیز در وزارتخانه، اداره کل آفریقا را مدیریت می‌کرد. کتاب را نشر نی منتشر کرده است.

این کتاب از روال مرسوم خاطره‌نگاری دیپلمات‌ها تبعیت نمی‌کند و اولین فصل‌های کتاب، توصیف اولین روزهای کاری قربان‌اوغلی در آفریقای جنوبی نیست. کتاب همان‌طور در عنوان اصلی‌اش، «با ماندلا در کشور رنگین‌کمان» وعده می‌دهد، تمرکز عمده‌ای بر ماندلا و دوران مبارزات او دارد. چندین فصل اول کتاب، «آشنایی با ماندلا و جنبش سیاهان آفریقای جنوبی»، «آپارتاید»، «آفریقای جنوبی، تبعیدگاه رضاشاه»، «امام خمینی و نلسون ماندلا» و... نه خاطرات این دیپلمات بلکه شرح تاریخ این کشور از زبان او به‌عنوان یک کارشناس است. برای رسیدن به خاطرات روزهای آقای سفیر در این کتاب، بیشتر باید پیش رفت.

در ادامه قربان‌اوغلی به روایت دوران کاری خود می‌رسد. او نقل می‌کند که در آخرین ماه‌های ریاست‌جمهوری ماندلا به آفریقای جنوبی اعزام شده و مانند همتایانش، مشتاق بوده پیش از رفتن ماندلا فرصت تحویل استوارنامه فراهم شود تا بتواند با «شخصیت بی‌بدیلی» که از «مطرح‌ترین شخصیت‌های دنیا» بود، دیدار داشته باشد. اولین ملاقات قربان‌اوغلی با ماندلا، در نهایت در همین مراسم تقدیم استوارنامه رخ می‌دهد که به دلیل مشغله کاری بالای ماندلا، خلاصه و بدون بخش دیدار خصوصی با سفرا انجام می‌شود. اما چنان‌که از عناوین بخش‌های کتاب در فهرست نیز مشخص است، او ۱۳ دیدار دیگر نیز با ماندلا دارد که آخرینشان در تونس است.

در کتاب قربان‌اوغلی، رد چالش‌های خاص کار دیپلماتیک در ایران نیز دیده می‌شود. او به‌عنوان میهمانی ویژه به جشن تولد ۸۵سالگی ماندلا دعوت می‌شود؛ اما با درنظرگرفتن ملاحظات خاصی که بعد از اطلاع از خاص‌بودن مراسم پیدا می‌کند، به بهانه بیماری که از مسیر غیررسمی، یعنی توسط دخترش به دفتر ماندلا اطلاع داده می‌شود، از حضور در مراسم عذرخواهی می‌کند. کمی بعدتر، چالش‌های او را در پیگیری جلب توجه مقامات ایران به بیماری و سپس درگذشت ماندلا می‌بینیم. او در دوران بیماری ماندلا به رئیس‌جمهور وقت، حسن روحانی و برخی از رؤسای جمهور سابق پیام‌هایی می‌فرستد و از آنها می‌خواهد به ماندلای بیمار پیامی بدهند یا برای مراسم درگذشت او حاضر شوند؛ اما تنها اقبال او، ارسال پیام اکبر هاشمی‌رفسنجانی در احوال‌پرسی از ماندلاست و بعدتر تلاش ابراز تمایل سیدمحمد خاتمی به حضور در مراسم درگذشت ماندلا که به در بسته می‌خورد.

روایت بازنشستگی زودهنگام و اجباری قربان‌اوغلی نیز در این کتاب است. او در سال ۸۷ و به دلیل نقدها و انتقادهایی که به رویه‌های دولت محمود احمدی‌نژاد ابراز می‌کند، با بازنشستگی اجباری مواجه می‌شود.

مقدمه این کتاب، شاید از آخرین متونی باشد که از قلم هاشمی‌رفسنجانی منتشر می‌شود، چنان‌که به روایت قربان‌اوغلی، «مرگ ناباورانه» هاشمی به او فرصت نمی‌دهد کتاب چاپ‌شده را به دست نویسنده مقدمه‌اش برساند. او در پیشگفتار خود ضمن افسوسی که از این بابت ابراز می‌کند، هاشمی را سیاست‌مداری «واقع‌بین» و «میهن‌پرست» توصیف می‌کند. هاشمی نیز در مقدمه‌اش، «حسن سلیقه» قربان‌اوغلی در انتخاب لحن روایی و داستانی را می‌ستاید و از این می‌گوید که کتاب او «صمیمیتی» را نشان می‌دهد که در روایات رسمی دیده نمی‌شود.

امروز بعدازظهر، مراسم رونمایی از این کتاب با نام «شب ماندلا و ایران»، با حضور کاظم موسوی‌بجنوردی، تاریخ‌دان و نویسنده و رئیس مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، هادی خانیکی، استاد دانشگاه، کارشناس رسانه و جامعه‌شناس، سیدعلی محمودی، پژوهشگر و استاد روابط بین‌الملل، علی دهباشی، پژوهشگر و سردبیر مجله بخارا و نویسنده کتاب، در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۰

البسه شاه جوان به‌مثابه امکان گسست تاریخی

... چه آن زمان که با نوعی التقاط‌گرایی خلاقانه تلاش دارد شیوه‌های اجرائی مختلف را کنار هم قرار داده و فرم اجرائی تازه‌ای را تجربه کند، چه آن زمان که کلان‌روایت تاریخی را با شوخ‌طبعی و بازیگوشی، از ریخت می‌اندازد و جهان برساخت خویش را می‌سازد. در اجرای نمایش «شاهکار» که مربوط بود به جمالزاده، این التقاط‌گرایی در شکل افراطی به کار گرفته می‌شد و با امکانات محدود گروه اجرائی، گاه دچار بدفهمی برای تماشاگران می‌شد. ایده‌هایی که بداعت و غرابت آنان به سخت‌افزاری تمام و کمال احتیاج داشت و در اجرا به فرجامی روشن نمی‌رسید. اما در نمایش لباس جدید پادشاه، با جهانی کمینه‌گرایانه مواجه هستیم که کنار هم قرارگرفتن فرم‌های مختلف اجرائی، از قضا مستوجب خلق جهانی خودبسنده و انتقادی شده است؛ برای نمونه حضور عروسک‌ها بر صحنه در کنار فضای رئالیستی، یا سخن‌گفتن آدم‌های نقش‌بسته در قاب تصویری که آویزان از دیوار است یا حتی پخش ویدئوهایی از احمدشاه که در مواجهه با ملکه انگلستان کنشی برخلاف گفتار راوی انجام می‌دهد، نشان‌دهنده به‌کاربستن خلاقانه شیوه‌های مختلف اجرائی است.

حال با جهانی سوررئال و سوبژکتیو روبه‌رو هستیم که معطوف است به ذهنیت در حال فروپاشی پادشاه جوان که به‌خوبی بحران هویت سوژه ایرانی را بازنمایی می‌کند. دیگر خبری از ظهور قبله عالم نیست و پاره‌شدن غیرمنتظره البسه ایرانی شاه می‌تواند به فاجعه ختم شود.

اجرا از زبان رسمی مرکززدایی می‌کند. گویی زبان فارسی در پایان عصر قاجار ناتوان است در فهم منطق جهان جدید. شخصیت‌ها گاه به ترکی حرف می‌زنند، گاه انگلیسی و فرانسه. زبان هم التقاطی است و نشانی هوشمندانه از تفوق زبان انگلیسی که همان زبان سرمایه‌داری است. همچنان که البسه و حتی رفتار آدم‌ها در حال غربی‌شدن است. در نهایت بازنمایی سیمای احمدشاه قاجار، با نوعی تسلسل به پایان می‌رسد که در آن پادشاه خلع‌شده بر یک صندلی نشسته و ابژه تماشای توریست‌های مشتاق شده است؛ تبدیل‌شدن بدن شاه به یک شیء فرهنگی و تاریخی، مبتنی بر منطق سود و مبادله.

((آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای))

نوبت دوم

شماره ۱-۵۲ /م/۹۸

(شماره فراخوان در سامانه ستاد: ۲۰۳۸۰۰۷۰۰۸۰۰۰۱۵۱)

شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه

شناسه آگهی: ۶۸۳۰۲۸

شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه در نظر دارد عملیات اجرایی مشروحه زیر را از طریق مناقصه عمومی و بصورت یک مرحله ای و از طریق سامانه ستاد به پیمانکاران واجد شرائط واگذار نماید.

مدارک مورد نیاز:

- نامه اعلام آمادگی
- آخرین آگهی تغییرات- آگهی روزنامه رسمی- اساسنامه شرکت- گواهی صلاحیت ایمنی معتبر
- ارائه تائیدیه آخرین رتبه بندی نظام فنی و اجرائی کشور به همراه تائید ثبت نام سامانه ساجار(SAJAR)
- داشتن تجربه و دانش لازم و ارائه سوابق حداقل ۲ فقره انجام کارهای مشابه
- **رتبه و رشته مورد نیاز:** پایه ۵ در رشته آب یا تاسیسات و تجهیزات.
- **فهرست بها برآوردی:** فهرست بها خاص بهره برداری
- **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۲/۶۱۹/۵۰۰/۰۰۰ ریال (بصورت واریز نقدی به حسابجاری ۲۸۴۱۴۳۸۵۴۵۲۱۴۴ بانک انصار شعبه ۲۲ بهمن و یا ضمانتنامه بانکی معتبر)
- هزینه خرید اسناد:۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال
- **مهلت دریافت اسناد:** حداکثر ۱۰ روز پس از انتشار اگهی نوبت دوم.

تاریخ بازگشائی مناقصه: حداکثر ۱۰ روز پس از پایان مهلت فروش اسناد.

محل خرید اسناد: سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) WWW.SETADIRAN.IR

- شماره تماس جهت کسب اطلاعات بیشتر دفتر قراردادها تلفن:۳۸۲۵۴۹۳۰-۰۸۳

ضمنا متقاضیان می توانند متن آگهی را پس از چاپ نوبت دوم در روزنامه در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی: www.abfaksh.ir یا http:/iets.mporg.ir ملاحظه نمایند.

ردیف	مشخصات پروژه	محل اعتبار	محل اجرا	مدت(ماه)	مبلغ برآورد(ریال)
1	رفع حوادث و تعمیر و نگهداری (شبکه، خط انتقال و انشعابات) فاضلاب، تصفیه‌خانه و ایستگاه پمپاژ چقامیرزا، شماره 2 و 3 فاضلاب	جاری	کرمانشاه	12(دوازده)	160/638/389/52

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه

۲۷۵۹/م الف/۱۲